

## قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

محمدرضا مایلی<sup>۱</sup>

استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

مریم مطیعی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت ۹۵/۷/۱۰ - تاریخ تصویب ۹۵/۹/۵)

### چکیده

در چند دهه اخیر، کشورهای مختلف تمایل به استفاده از قدرت نرم یافته اند. قدرتی که تأکید بر استفاده از ابزارهایی در راستای ایجاد جذابیت برای تأثیرگذاری و افزایش نفوذ در سایر کشورها دارد. جمهوری اسلامی ایران نیز با آگاهی از اهمیت قدرت نرم در عصر وابستگی متقابل، از ابزارهایی نظیر دانش، فرهنگ و ایدئولوژی برای اعمال قدرت بر روی کشورهای منطقه ای بهره می برد. در این مقاله این پرسش را مطرح نمودیم که «استفاده از قدرت نرم (دانش، فرهنگ و ایدئولوژی) چه تأثیری در جایگاه منطقه ای جمهوری اسلامی ایران داشته است؟» در پاسخ نیز این فرضیه طرح شد که «استفاده بیشتر جمهوری اسلامی ایران از قدرت نرم (دانش، فرهنگ و ایدئولوژی) باعث تحکیم و ارتقای جایگاه منطقه ای ایران شده است.» ایران در حوزه دانش، پیشرفت های قابل توجهی در زمینه پزشکی، سایبری، نظامی و تکنولوژی داشته است، در حوزه فرهنگ، پیشینه غنی ایرانی و اسلامی و اشتراکات فرهنگی با کشورهای منطقه دارد؛ همچنین در حوزه ایدئولوژی، بعد از انقلاب اسلامی و ارائه مفاهیمی نظیر نفی تسلط بیگانگان، عدالت و پیوند دین و سیاست بر میزان قدرت نرم خود افزوده است. قدرتی که از آن برای افزایش نفوذ خود در کشورهای منطقه ای از طریق سیاست خارجی بهره می برد.

واژه های کلیدی: ایران، قدرت نرم، وابستگی متقابل، دانش، فرهنگ، ایدئولوژی.

## مقدمه

قدرت<sup>۱</sup> از مباحث محوری علم سیاست و مورد تأمل در متون و آثار سیاسی است. این امر، به دلیل اهمیت عینی و ملموس قدرت در دو عرصه سیاست داخلی و خارجی در راستای اجرای برنامه ها، خطی مشی ها و تحقق اهداف ملی است (جمالی، ۱۳۷۹: ۲۵۰). در واقع، قدرت از قابلیت‌هایی چون توانایی تضمین امنیت، تغییر رفتار دیگران و دفع تهدید برخوردار است (مطالعات امنیتی، ۱۳۸۷). سابقاً در مطالعه و تحلیل قدرت، معمولاً عناصر محسوس قدرت (قدرت سخت) را به عنوان ارکان اصلی قدرت یک کشور در نظر می‌گرفتند (Yazhi, 2001: 117) اما تحولات جریان‌ساز عرصه جهانی پس از پایان جنگ سرد سبب کاهش رواج ابزارهای سخت افزاری قدرت و اقبال روز افزون بازیگران کوچک و بزرگ به کاربرد قدرت نرم<sup>۲</sup> جهت تحمیل اراده به یکدیگر شده است.

یکی از اولین نظریه پردازان در حوزه قدرت نرم، جوزف نای<sup>۳</sup> است. نای تقسیم بندی سه‌گانه‌ای از قدرت را پیشنهاد می‌کند: نظامی، اقتصادی و نرم؛ قدرت نظامی و اقتصادی هر دو ماهیتی سخت دارند و قدرت نرم از این حیث با آن‌ها متفاوت است که مبتنی بر توانایی شکل‌دهی به ترجیح‌های دیگران می‌باشد، آن توانایی که تولید جذابیت می‌کند و منجر به فرمان‌برداری می‌گردد؛ این در حالی است که قابلیت‌های اقتصادی، گاه به مثابه منبع قدرت سخت و گاه، به مثابه منبع قدرت نرم به کار گرفته شده است. در کنار این نظریه، از تئوری وابستگی متقابل<sup>۴</sup> که توسط نای و رابرت کوهن<sup>۵</sup> در عرصه روابط بین الملل مطرح شد نیز استفاده می‌نماییم. بر اساس این نظریه، بعد از شکست ایالات متحده آمریکا در جنگ ویتنام، دیگر رئالیسم، توانایی تفسیر تغییرات نظام بین الملل را ندارد؛ زیرا این جنگ نشان داد که صرف داشتن قدرت نظامی، منجر به تفوق یک کشور نمی‌شود و عوامل مهم دیگری نیز در این امر دخیل هستند. در ادامه به توضیح بیشتر این نظریات خواهیم پرداخت. بر اساس این

<sup>1</sup>- Power

<sup>2</sup>- Soft Power

<sup>3</sup>- Joseph Nye

<sup>4</sup>- Complex Interdependence

<sup>5</sup>- Robert Keohane

تئوری‌ها پرسش اصلی این مقاله اینست که: «استفاده از قدرت نرم (دانش، فرهنگ و ایدئولوژی) چه تأثیری در جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران داشته است؟» و فرضیه چنین می‌باشد: «استفاده جمهوری اسلامی ایران از قدرت نرم (دانش، فرهنگ و ایدئولوژی) باعث تحکیم و ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران شده است.»

### ۱. نظریه قدرت نرم

مفهوم قدرت نرم را اولین بار جوزف نای در سال ۱۹۹۰ میلادی در نشریه آتلانتیک مطرح نمود (Nye, 1990). نای اعتقاد دارد که قدرت، مانند آب و هواست، همه به آن مربوط هستند و درباره آن صحبت می‌کنند، اما عده کمی آن را درک می‌کنند (Nye, 2002: 9). او، موفقیت در سیاست‌های جهانی را مستلزم استفاده از قدرت نرم به همراه قدرت سخت می‌داند. نای این تعریف از قدرت را مبنای کار خویش قرار داده است: قدرت، توانایی ترغیب دیگران برای انجام آنچه شما می‌خواهید، می‌باشد. نای، اطلاعات را وجه بارز قرن اخیر می‌داند. از نظر او در عصر اطلاعات کشورهای صاحب قدرت هستند که فرهنگ و ایده‌های مسلط آن‌ها به هنجارهای جهانی تبدیل شده باشد. بدین ترتیب فرهنگ، سیاست‌های مقبول داخلی و خارجی و در اختیار داشتن ابزارهای ارتباطی به مثابه مؤلفه‌های شکل جدید قدرت (قدرت نرم) به حساب می‌آیند؛ همچنین او اعتقاد دارد عواملی مانند انسجام ملی، فرهنگ جهان شمول و نهادهای بین‌المللی در تحت تأثیر تحولات جهانی، اهمیت مضاعفی یافته‌اند (عسگری، ۶۴، ۱۳۸۹). جوزف نای، قدرت نرم را توانایی جذب کردن می‌داند که اغلب در نهایت به رضایت منجر می‌شود (Nye, 2002, 5). بر خلاف قدرت سخت که بیشتر مبتنی بر زور و تهدید و یا پاداش است، در قدرت نرم یک کشور به نتیجه مورد نظرش از طریق روش‌های غیر مستقیم دست می‌یابد. بر مبنای نظریه نای، ماهیت قدرت نرم بر مبنای شکل دهی بر ترجیحات دیگران استوار است و این امر به گونه‌ای ناملموس و با استفاده از جاذبه‌های فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی انجام می‌شود. البته قدرت نرم متفاوت از نفوذ می‌باشد، نفوذ می‌تواند مبتنی بر قدرت سخت، تهدید و یا پاداش باشد، اما قدرت نرم توانایی جذب کردن مبتنی بر رضایت است (عسگری، ۶۷: ۱۳۸۹).

در دیدگاه نای در قدرت نرم، برای ترغیب طرف مقابل به انجام رفتار دلخواه سه راه، پاداش<sup>۲</sup> و جذب<sup>۳</sup> و اقناع وجود دارد. از نظر نای، قدرت نرم توان یک کشور برای دستیابی اهدافش از طریق جذابیت و نه اجبار یا تنبیه می‌باشد. این جذابیت از فرهنگ، ایده‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور ناشی می‌گردد، به خصوص زمانی که سیاست‌های یک کشور در نگاه دیگران مشروع به نظر برسد، قدرت نرم اعمال شده است (Nye, 2004). او سه مهارت را در اعمال قدرت نرم ضروری می‌داند: نخستین مهارت، هوش هیجانی است که به معنای توانایی کنترل احساسات و استفاده از آنها در ارتباط با دیگران می‌باشد. دوم، ایجاد تصویری از آینده که دیگران را جذب نماید و سوم، مهارت‌های ارتباطی است که شامل مهارت‌های بیانی؛ همچنین توانایی استفاده از وسایل ارتباطی غیر کلامی می‌باشد (Nye, 2008).

#### ۱.۱. منابع قدرت نرم

در دیدگاه نای، قدرت نرم دارای سه منبع کلی است: فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست داخلی و خارجی.

۱.۱.۱. فرهنگ<sup>۴</sup>: فرهنگ عبارت است از دسته‌ای از ارزش‌ها و اعمال که به یک جامعه معنا می‌بخشد. وقتی فرهنگ یک کشور ارزش‌های جهانی را شامل شود احتمال اینکه نتایج مطلوب با هزینه اندک تحصیل شود، افزایش می‌یابد (نای، ۱۳۸۷: ۵۲). به نظر نای ایالات متحده آمریکا دارای فرهنگ جهانی است.

۲.۱.۱. ارزش‌های سیاسی: ارزش‌های سیاسی یک کشور می‌توانند منابع جذب و قدرتمندی یک کشور باشند. در واقع دولت‌ها با نفوذ دادن ارزش‌هایشان در سایر کشورها می‌توانند باعث جاذبه و یا دافعه خود شوند (عسگری، ۱۳۸۹: ۶). ارزش‌هایی همانند

1- Coercion

2- Payment

3- Attraction

4- Culture

دموکراسی، آزادی بیان، ترویج حقوق بشر و... همگی از ارزش های سیاسی قابل ایجاد جذابیت هستند (مرکز مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰: ۵).

**۳.۱.۱. سیاست خارجی و سیاست داخلی:** سیاست خارجی و داخلی می توانند قدرت نرم را تقویت یا تضعیف کنند. اگر این سیاست ها متکبرانانه و تنگ نظرانه و بدون توجه به آرای دیگران باشند، در کاهش قدرت نرم مؤثرند. برای مثال در حوزه سیاست خارجی اگر یک کشور، سیاست هایش را به گونه ای تنظیم کند که بتواند بدون استفاده از تهدید و یا تطمیع، دیگران را بسیج نماید، منبع مهمی برای قدرت نرم به شمار می رود (نای، ۱۳۸۷: ۱۳۶). در واقع اگر سیاست خارجی یک کشور از نگاه دیگر بازیگران، مشروع شمرده شود، مقبولیت آن کشور بیشتر می شود (مرکز مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰: ۵).

## ۲. مؤلفه های قدرت نرم

**۲.۱. دانش:** امروزه کشورهای جهان با بهره گیری از دانش ها و فن آوری های نوین، تمام امکانات خویش را به ویژه در حوزه های سایبری، مجازی و رسانه های گوناگون تجمیع ساخته تا موجبات تقویت قدرت نرم آن ها فراهم شود. اگر در گذشته قدرت نظامی، جمعیت یا موقعیت استراتژیک و غیره عامل اساسی قدرت یک کشور محسوب می شد، امروزه کشورها توانسته اند با استفاده از ارتقای سطح دانش و تکنولوژی، بسیاری از این محدودیت ها را پشت سر گذاشته و قدرت ملی خود را در نظام بین الملل افزایش داده و بر سایر رقبای خود پیشی بگیرند. کشور برخوردار از دانش و تکنولوژی قوی می تواند در موقعیت الگویی غالب قرار گرفته و از طریق فرهنگ سازی سایر کشورها را تحت تأثیر قرار داده و از این طریق منافع ملی خود را در جهان و در برابر سایر بازیگران عرصه ی سیاسی و بین المللی تضمین کند. امروزه در میان عوامل ثابت و متغیر استراتژیک، دانش یکی از مؤلفه های اساسی کسب قدرت و بالا بردن منزلت استراتژیکی یک کشور است. در عصر اطلاعات دانش، پایه همه امور محسوب می گردد.

براین اساس دولتها و همه بازیگران سیاسی در سطوح محلی، ملی و بین المللی سعی می نمایند قدرت اطلاعاتی و معرفتی خود را در علوم گوناگون افزایش دهند تا از این طریق بر

رقبای خویش پیشی بگیرند. اصطلاحات جدید، نظیر تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات ریشه در اهمیت یافتن نقش دانش و تکنولوژی در سرنوشت ملتها و تولید قدرت و اقتدار در عرصه بین المللی دارد.

۲،۲. فرهنگ: مفهوم فرهنگ شامل بخش نرم افزاری یک تمدن می‌شود که مجموعه دانش‌ها، اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها، طرز تلقی‌ها و آداب و رسوم که به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه توسط انسان اکتساب می‌شود را در بر می‌گیرد (خراسانی، ۱۳۹۵: ۲). فرهنگ بین المللی عبارت است از ارزش‌ها و هنجارهای عامی که در طول زمان مورد پذیرش جامعه بین الملل قرار گرفته و دارای عملکردهای خاصی می‌باشند (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۳۰۲). از ابزار فرهنگ در قدرت نرم در راستای ترویج زبان و ادبیات، مناسبات و مبادلات فرهنگی، ارائه ی تصویر مطلوب از خود، بهره‌گیری مناسب از اطلاعات و فرهنگ در راستای مقاصد دیپلماتیک، طراحی و اتخاذ استراتژی‌ها و سیاست‌های مقبول، زدودن ذهنیت‌های تاریخی منفی، قدرت شکل‌دهی و کنترل افکار عمومی، قدرت نفوذ در باورها و نگرش‌ها، برخورداری از شبکه‌های خبری جهان گستر و قدرت تولید و توزیع محصولات رسانه‌ای متنوع به کشورها و نفوذ در رسانه‌های بین‌المللی استفاده می‌شود (نای، ۱۳۸۲: ۴۵).

در ابزار فرهنگ، بر روی ذهنیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود و از جذابیت، برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها و تأثیرگذاری بهره برده می‌شود. در مجموع می‌توان گفت: از جمله ممیزات قدرت نرم، مردمی بودن و غیر رسمی بودن آن است؛ به عبارت دیگر، قدرت نرم زمانی می‌تواند تولید گفتمان سازی با افکار عمومی نماید که مستلزم قدرت سخت نباشد و بتواند به دور از محدودیت‌ها و امر و نهی‌های قدرت سخت، در شرایط و فضای آزاد، تولید گفتمان محلی، منطقه ای و فراملی نماید و با سهولت، پیام خود را به افکار عمومی جهانیان برساند (مشفق، ۱۳۸۶: ۴).

در واقع دولت‌ها، برای افزایش قدرت فرهنگی شان اقدامات مختلفی را پیش می‌گیرند؛ مانند: ارائه خدمات بشر دوستانه، رعایت استانداردهای حقوق بشر، حمایت از جنبش‌های سبز و محیط زیست، مشارکت در جنبش‌های صلح طلب و نیروهای حافظ صلح، تشکیل

انجمن‌های دوستی با کشورهای مختلف، حضور گسترده در جوامع فرهنگی و رایزنی‌های فرهنگی در سطح وسیع در ایجاد و تقویت قدرت فرهنگی (کاظمی، ۱۳۶۹: ۱۳۸).

**۳.۲. ایدئولوژی:** ایدئولوژی، از لحاظ سیاسی به معنای عقیده یا نظر سیاسی تعریف شده است؛ به بیان بهتر ایدئولوژی عبارت است از نظام فکری و عقیدتی که قابل اعمال بر واقعیت‌های خارجی باشد (حلال خور و باباجان نژاد، ۱۳۹۰: ۲۴۶). ایدئولوژی، تشکیل دهنده قدرت، معیارها و ضوابط مشخص و معینی است که در اختیار سیاستگذاران قرار می‌گیرد تا بر اساس آن چهارچوب، هدف‌ها و منافع ملی خویش را ترسیم نمایند (قوام، ۱۳۸۰: ۶۷). کشورهای قدرتمند، همواره در تلاشند که با استفاده از ابزارهای مسالمت‌آمیز در چهارچوب قدرت نرم، به ترویج ایدئولوژی مطلوبشان در سرتاسر جهان بپردازند و بدین ترتیب افکار عمومی مردم را با اهداف و سیاست‌هایشان همسو سازند. به هر میزان، یک ایدئولوژی، توانایی مشروعیت بخشی و توجیه‌گری بیشتری داشته باشد، طول عمر بیشتری نیز خواهد داشت.

### ۳. نظریه وابستگی متقابل (پیچیده)

کوهن در اواخر دهه ۱۹۶۰ نظریه حاکم بر جهان، رئالیسم را به چالش کشید و به همراه جوزف نای، مفروضات این نظریه را زیر سوال برد. آنها، معتقد بودند که نظام سلسله‌مراتبی که مورد تأکید رئالیسم است اثر خود را از دست داده است و رئالیسم را ناکارآمد و قدرت‌نظامی که مهمترین ابزار قابل استفاده در این نظریه است را غیر قابل استفاده می‌دانند. نظریه پردازی آنان در زمانی آغاز شد که جنگ ویتنام با ناکامی ایالات متحده به عنوان برترین قدرت نظامی جهان پایان یافته بود و ناکارآمدی ابزار زور و اعمال قدرت نظامی مشخص شده بود. در نگرش واقع‌گرایانه، دولت - ملت تنها بازیگران اصلی، روابط بین‌الملل و زور و قدرت نظامی، مهمترین ابزار قابل استفاده در عرصه جهانی و برای پیش‌برد سیاست محسوب می‌شوند و همین امر نوعی سلسله‌مراتب جهانی را به وجود آورده و در ضمن مسائل نظامی - امنیتی را به مسائل اصلی روابط بین‌الملل مبدل می‌سازد، اما در دنیای وابستگی متقابل شرایط کاملاً متفاوت است. در این شرایط بازیگران مهمی به جز دولت - ملتها وجود دارند. قدرت نظامی و اعمال زور تنها ابزار مفید، سودمند و اثرگذار در عرصه روابط بین‌الملل نیست و تأثیر

و اهمیت خود را روز به روز بیشتر از دست می دهد و نظام سلسله مراتبی به گونه ای که رئالیسم بر آن اصرار دارد، رنگ می بازد. در این شرایط منابع موجود در عرصه جهانی توزیع شده و همکاری داوطلبانه جایگزین تعارض و مخاصمه می شود (Keohane & Nye, 1977:35).

در دیدگاه این دو نظریه پرداز، نظریه وابستگی متقابل دارای خصوصیات ذیل است:

- ۱- بازیگران نظام بین الملل، تنها دولت ها نیستند، شرکت های چند ملیتی، سازمان ها و رژیم های بین المللی بازیگران جدیدی هستند که در کنار دولت ها نقش آفرینی می کنند.
  - ۲- مسائل اساسی جهان، دیگر تنها مسائل نظامی، امنیتی و استراتژیک نیستند، بلکه مسائل اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی اهمیت بیشتری یافته اند. این دگرگونی، حرکت از سوی سیاست حاد به سوی سیاست ملایم خوانده می شود؛ به همین دلیل نیز کاربرد زور و قدرت نظامی کمتر و همکاری های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بیشتر می شود.
  - ۳- قاعده رفتار در عرصه جهانی از تعارض و مخاصمه به همکاری های فراملی تغییر کرده است. در شرایط وابستگی متقابل قاعده بازی، دیگر بازی با حاصل جمع صفر نیست، بلکه برد و باخت می تواند برای هر دو طرف باشد.
  - ۴- سلسله مراتب قدرت که مبتنی بر قدرت نظامی بود اکنون جای خود را به شبکه پیچیده ای از همکاری هایی می دهد که دیگر سلسله مراتبی نیست (سلیمی، ۱۳۹۲: ۴۵)
- کوهن و نای، نظریه خود را با طرح مفهوم وابستگی متقابل پیچیده تکامل می بخشند. وابستگی متقابل پیچیده سه ویژگی دارد:
- ۱- مجاری ارتباطی چندگانه میان جوامع برقرار می شود. این مجاری عبارتند از: روابط غیر رسمی میان نخبگان دولتی، روابط غیر رسمی میان نخبگان غیر دولتی (روابط رو در رو یا دوربرد) و سازمان های فراملی (بانک ها، شرکت های چند ملیتی، سازمان های مردم نهاد).
  - ۲- امنیت نظامی دیگر در رأس مسائل قرار ندارد، تمایز دادن میان مسائل داخلی و خارجی دچار ابهام می شود و سیاست مرزی نمی شناسد.



۳- در چهارچوب منطقه، دولت‌ها از کاربرد نیروی نظامی علیه یکدیگر امتناع می‌کنند، اما شاید در حوزه‌های فراتر از منطقه دولت‌ها از ابزار نظامی استفاده نمایند (بزرگی، ۱۳۷۵: ۹۴۸).

بر اساس این تئوری، ابزارهای قدرت سخت دیگر جایگاه سابق خود را ندارند و مؤلفه‌های قدرت نرم در نظام بین‌الملل کنونی اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته‌اند. دولت‌ها از طریق همکاری‌های دو جانبه‌شان می‌توانند زمینه نفوذ و قدرت خود را فراهم نمایند. بدیهی است که تمامی کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران در تلاشند تا حداکثر استفاده خود را از ابزارهای قدرت بنمایند و ضمن دوری از منازعه و جنگ، در دوران وابستگی متقابل بیشترین سود و کمترین ضرر را عاید خود سازند.

#### ۴. کاربرد قدرت نرم (دانش، فرهنگ و ایدئولوژی) توسط ایران

امروزه با توجه به شرایط و مؤلفه‌های قدرت در دنیای جدید، قدرت نرم نیز مانند قدرت سخت دارای اهمیت و جایگاه شده و توجه سیاستمداران و دولت‌ها از جمله جمهوری اسلامی ایران را به خود جلب کرده است. عوامل ایجادکننده یا تقویت‌کننده‌ی قدرت نرم عبارتند از: موقعیت ایدئولوژیک، ارتباطات دیپلماتیک گسترده، مناسبات و مبادلات فرهنگی، ترویج زبان و ادبیات، تبلیغ آرمان‌ها، ارزش‌ها و اهداف متعالی، ارائه تصویر مثبت و مطلوب از خود، بهره‌گیری مناسب از اطلاعات و فرهنگ برای مقاصد دیپلماتیک، طراحی و اتخاذ سیاست‌های استراتژیک مقبول، زدودن ذهنیت‌های تاریخی منفی، مبادلات دانشگاهی و آکادمیک و سرمایه‌گذاری در تربیت نخبگان دیگر کشورها که همگی مورد نظر سیاستگذاران ایرانی نیز می‌باشند.

در واقع با توجه به اشتراکات فرهنگی و ایدئولوژیک ایران با برخی از کشورهای همسایه (مانند گسترش زبان فارسی و اهمیت فرهنگ و آداب ایرانی در کشورهای منطقه و یا تحصیل هزاران طلبه خارجی علوم دینی در ایران)، برتری علمی و تخصصی دانشمندان ایرانی (مثلاً در امور پزشکی که منجر به روی آوردن شهروندان سایر کشورها به ایران برای درمان شده است، قدرت سایبری ایران که توان حکم پیشرفته‌ترین سرورها حتی در خارج از منطقه را دارد و یا توان تکنولوژیک ایران در ساخت سلاح‌های مختلف نظامی) و نیاز کشورهای منطقه به بهبود

زیرساخت هایشان با صرف هزینه کمتر در کنار بازشدن درهای بازار جهانی با لغو تحریم ها پس از توافق هسته ای، جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش در بهره گیری از ابزارهای قدرت نرم ترغیب نموده است.

#### ۱.۴. ایران و ابزار دانش

با وجود تحریم هایی که سالها گریبان جمهوری اسلامی ایران را گرفت، ایران گام های بلندی در راستای پیشرفت های علمی و تکنولوژیکی برداشته است، به گونه ای که اکنون به دنبال تبدیل شدن به برترین قدرت تکنولوژیکی منطقه خاورمیانه است. در واقع وجود تعداد بالای افراد تحصیلکرده و دانشجویان، در رشته های مختلف نشان دهنده اهمیت دانش، چه برای سیاستگذاران و چه برای شهروندان ایرانی است؛ در همین ارتباط، سازمان «یونسکو» در گزارشی اعلام کرده است: «ایران برای تقویت قدرت علمی خود در دانشگاه ها، یک نقشه راه استراتژیک در نظر گرفته و هدفی که جمهوری اسلامی ایران تلاش می کند در نهایت بدان دست پیدا کند، تبدیل این کشور به قدرت اول علمی در سطح منطقه است» (حسین آبادیان، ۱۳۹۴). بر اساس اظهارات رئیس پایگاه استنادی علوم جهان اسلام و داده های پایگاه اسکوپوس، در سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ رتبه بین المللی تولید علم ایران از ۴۸ به ۱۶ ارتقا پیدا کرده است؛ همچنین براساس مدارک نمایه شده در پایگاه ISI، جایگاه ایران از ۴۹ در اولین سال مورد بررسی به ۲۱ در آخرین سال مورد بررسی ارتقا یافته است. در حال حاضر از منظر تولید علم، ایران از یک جایگاه رفیع بین المللی برخوردار است و دومین قدرت علمی در بین کشورهای عضو جنبش عدم تعهد محسوب می شود؛ همچنین در طی سال های متمادی، برترین کشور علمی در بین کشورهای عضو اوپک بوده است. ایران با کسب رتبه اول تولید علم در بین کشورهای منطقه خاورمیانه؛ همچنین رتبه نخست در بین ۵۷ کشور اسلامی سرآمد منطقه و جهان اسلام است (بی نا، ۱۳۹۴). پیشرفت های علمی ایران حوزه های مختلفی را در بر می گیرد.

توانمندی های کنونی نظامی ایران، دیگر بر هیچ کشوری پوشیده نیست، ساخت موشک های دوربرد ضد کشتی، هواپیماهای بدون سرنشین، مین های دریایی، زیردریایی های کوچک،

سکوهای پرتاب موشک و... نمونه هایی از این توانمندی های نظامی است. در حوزه سایبری، ایران به خصوص بعد از توافق هسته ای به خرید آی پی های متعددی اقدام کرده است تا از این طریق بتواند دسترسی شهروندان به اینترنت را سهولت بخشد، در کنار این امر، سرمایه گذاری هایی که ایران در بخش امنیت اطلاعات و تکنولوژی ارتباطات نموده، باعث گردیده که کشور در برابر بسیاری از تهدیدات سایبری در امان باشد و حتی بتواند در صورت لزوم به سازمان های اطلاعاتی سایر کشورها نیز نفوذ کند. (حسین آبادیان، ۱۳۹۴)

حوزه مهم دیگر پیشرفت های علمی ایران، پزشکی است. ایران بدون تردید برترین کشور منطقه خاورمیانه در زمینه درمان و امور پزشکی است. پیشرفت هایی که در حوزه های پزشکی هسته ای، داروهای نو ترکیب، داروهای ضد سرطان، سلول های بنیادین، درمان ضایعات نخاعی، ساخت پوست مصنوعی به وسیله لیزر، تربیت پزشکان متخصص در تمامی رشته ها، درمان نازایی و... رخ داده است، همگی گواهی بر این مطلب هستند (بی نا، ۱۳۹۲).

جمهوری اسلامی ایران با توجه به پیشرفت های بزرگ علمی و تکنولوژیکی اش به خصوص بعد از انقلاب اسلامی، از این ابزار برای نفوذ در سایر کشورها و بهبود قدرت نرم خود استفاده می نماید. برای مثال کشورهای منطقه با توجه به پایین تر بودن هزینه، ترجیح می دهند از سرمایه و متخصصان ایرانی برای احداث زیرساخت هایشان؛ مانند: سدسازی، جاده سازی، ارتباطات رادیویی، تجهیزات نظامی و... استفاده کنند. در کنار این امر، تورسیم پزشکی که اکنون توجه بیشتری به آن می شود، باعث پذیرش درمانی بسیاری از شهروندان کشورهای منطقه به خصوص کشورهای حوزه خلیج فارس می شود و بر قدرت نرم ایران می افزاید.

#### ۲.۴. ایران و ابزار فرهنگ

موفقیت قدرت نرم در شناخت افکار، ارزش ها، هنجارها، عادات و نیازهای اخلاقی و رفتاری مردم نهفته است. بر این اساس منابع قدرت نرم، فرهنگ عمومی، رسانه ها، گسترش زبان ملی و گسترش مجموعه خاص از ساختارهای هنجاری است. (Nye, 2002: 25)؛ بنابراین مشخص است، چنانچه سیاست خارجی یک کشور بتواند باعث ترویج ارزش های مطلوب و بهره گیری از عنصر فرهنگ شود، قدرت نرم چشم گیری در عرصه بین المللی

ایجاد کرده است (پورااحمدی، ۱۴۶: ۱۳۸۹). جوزف نای در کتاب «کاربرد قدرت نرم» بر این عقیده است که: قدرت نرم توجه ویژه ای به اشتغال فضای ذهنی کشور دیگر از طریق ایجاد جاذبه است و نیز زمانی یک کشور به قدرت نرم دست می یابد که بتواند اطلاعات و دانایی را به منظور پایان دادن به موضوعات مورد اختلاف به کار گیرد و اختلافات را به گونه ای ترسیم کند که از آن ها امتیاز بگیرد (جوزف نای، ۱۳۸۲: ۱۰).

جمهوری اسلامی ایران به اعتبار ایرانی بودن و اسلامی بودن و تاریخچه غنی که در پشت سر دارد، استعداد قابل توجهی در ایجاد جذابیت در ملت های دیگر منطقه دارد. در ادامه به تعدادی از مؤلفه های فرهنگی مورد استفاده ایران اشاره می نمایم:

**۱،۲،۴. زبان فارسی:** جمهوری اسلامی ایران می تواند از زبان فارسی برای جذب دیگر ملت ها استفاده نماید. در عین حال گویش گران به زبان فارسی در جهان به صورت کلی، تنها در ایران، افغانستان و تاجیکستان هستند، ولیکن در برخی از کشورهای دیگر نظیر عراق، ترکیه، ازبکستان، پاکستان و هند گروهی از مردم به زبان فارسی سخن می گویند (پورااحمدی، ۳۵۵: ۱۳۸۹). به خوبی مشخص است که ایران می تواند از این اشتراک زبانی به بهترین نحو برای نفوذ بیشتر در فارسی زبانان استفاده کند. ایران، این کار را می تواند از طریق برگزاری کلاس های آموزش زبان فارسی در دیگر کشورها، پذیرش دانشجویان زبان فارسی در داخل کشور و چاپ کتاب های فارسی انجام دهد.

**۲،۲،۴. افزایش تعاملات و مناسبات فرهنگی:** با توجه به پتانسیل موجود در فرهنگ ایرانی و فرهنگ اسلامی، ایران می تواند از طریق افزایش مناسبات و تعاملات فرهنگی با سایر کشورها به خصوص کشورهای منطقه و جهان اسلام، به دلیل اشتراکات فراوان، بر میزان قدرت نرم خود بیفزاید. تشکیل مؤسسات و نهادهای غیر دولتی، برگزاری هفته های فرهنگی در دیگر کشورها، فعال نمودن آژانس های مسافرتی و پذیرش بیشتر توریست برای تقویت مشترکات فرهنگی با دیگر کشورها مؤثر است.

**۳،۲،۴. تأسیس و تقویت مراکز پژوهشی و نهادهای غیر دولتی:** تأسیس و حمایت از مراکز پژوهشی پیرامون موضوعات فرهنگی و جهانی سبب شناخت و اعتماد سازی در سطح

جهانی می شود؛ در نتیجه می توان بسیاری از کشمکش ها را جلوگیری نمود (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۳۸۷). در واقع گفت و گوی فرهنگ ها از طریق تأسیس و حمایت از مراکز این چنینی، این فرصت را به جمهوری اسلامی ایران می دهد که علاوه بر تعامل بیشتر با سایر فرهنگ ها، زمینه نفوذ بیشتر فرهنگی و افزایش قدرت نرم خودش را در میان سایر ملت ها، به خصوص ملت های همجوار که با ما قرابت بیشتری دارند، فراهم کند.

ایران می تواند با حمایت از نهادهای غیر دولتی فعال در حوزه مسائل بشر دوستانه، ضمن ارتباط با سایر ملت ها و نهادهای غیر دولتی شان، ارزش ها، هنجارها و نگرش های بشردوستانه موجود در فرهنگ و تمدن خود را به جهان عرضه کند و نگرش افکار عمومی را نسبت به خود مثبت نماید. در کنار این امر، رفت و آمد ها و برگزاری کنفرانس های غیر دولتی، بدبینی ناشی از گزارش های رسمی نمایندگان کشورها و سازمان های جهانی را خنثی کند (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۳۸۸). به طور خلاصه می توان بخشی از راهکارهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را در راستای افزایش قدرت نرم و تحکیم جایگاه منطقه ای، این چنین برشمرد:

- ترویج جاذبه های فرهنگی از طریق رسانه ها.
- برگزاری همایش ها و نشست های گوناگون با اهداف فرهنگی.
- تأسیس رسانه های مختلف به سایر زبان ها و ترویج فرهنگ ایرانی و اسلامی.
- پذیرش دانشجویان خارجی در دانشگاه های داخلی.
- تقویت صنعت توریسم و افزایش ورود جهانگردان به کشور.
- تقویت مراکز رایزنی فرهنگی در کشورهای منطقه.
- ترویج ایده گفتگوی مذاهب در شرایط بحرانی کنونی خاورمیانه.
- حمایت از جنبش های مدافع محیط زیست و بشردوستانه.

ایدئولوژی تشکیل دهنده قدرت، معیارها و ضوابط مشخص و معینی است که در اختیار سیاستگذاران قرار می‌گیرد تا بر اساس آن چهارچوب هدف‌ها و منافع ملی خویش را ترسیم نمایند (قوام، ۱۳۸۸)؛ در واقع این ایدئولوژی‌ها هستند که مرز میان کشورها را مشخص می‌کنند. ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به عنوان یکی از کشورهای مهم و قدرتمند منطقه که دارای جهان بینی جدید و متفاوتی نسبت به سایر کشورها بود، تصمیم به صدور مبانی فکری اش، ابتدا به کشورهای منطقه و سپس جهان گرفت. این مبانی از همان زمان تا کنون، سرلوحه سیاست خارجی ایران قرار گرفته است و در جهت افزایش قدرت نرم استفاده می‌گردند.

**۱،۳،۴. نفی تسلط بیگانگان:** یکی از اصولی که پس از انقلاب اسلامی به آن توجه شد، جلوگیری از تسلط کشورهای بیگانه بر امور مسلمانان بود. شعاری که از آن زمان همواره سرلوحه سیاست خارجی ایران قرار گرفت، نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی بود. به این قاعده، «نفی سبیل» می‌گویند. این اصل، فرصتی را در اختیار جمهوری اسلامی قرار داد تا به خصوص در میان ملت‌های مسلمان که از وابستگی شدید حکامشان بسیار ناراضی داشتند، نفوذ کرده و آن‌ها را همراه و همسو با خود نماید.

**۲،۳،۴. عدالت:** عدالت ورزی بخش مهمی از هویت اسلامی و ایرانی جمهوری اسلامی ایران را شامل می‌شود. بر این اساس ایران را می‌توان به عنوان یک واحد سیاسی عدالت‌گرا و عدالت‌جو معرفی کرد که این ارزش به نوعی در اتخاذ بعضی از جهت‌گیری‌های سیاست خارجی؛ همچون حمایت از مستضعفان و حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش و... تجلی دارد (پوراحمدی، ۱۴۴: ۱۳۸۹)؛ همین اصل باعث گردیده که بسیاری از مظلومان و اقلیت‌های تحت فشار در کشورهای منطقه، جذب ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران به خصوص در اوایل انقلاب شدند.

**۳،۳،۴. پیوند دین و سیاست:** بیشترین تأثیر ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران به دلیل اشتراکات فراوان با کشورهای منطقه خاورمیانه است. با پیروزی انقلاب اسلامی، مذهب نقش مهمی را در ایدئولوژی ایران یافت و به عنوان زبان قدرت سیاسی معرفی شد (پوراحمدی،

۱۳۸۹: ۳۴۷). تعریف جدیدی که ایران از سیاست به کشورهای منطقه معرفی نمود، باعث شد که بسیاری از شهروندان این کشورها با الهام گرفتن از ایران، خواستار پررنگ شدن نقش مذهب در امور داخلی و خارجی شان شدند، تا جایی که در برخی از این کشورها شاهد کودتا و درگیری فرقه ای بودیم. اینها همگی، تحت تأثیر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بود؛ زیرا ایران بدون استفاده از ابزارهای قدرت سخت و یا صرف هزینه های فراوان، تنها با اشاعه ایدئولوژی اش توانست بسیاری از ملت های منطقه خاورمیانه را به خود نزدیک نماید.

### نتیجه گیری

در دنیای کنونی که بحث جهانی شدن و تبعات آن، به موضوع روز تبدیل گشته است، نوشته های اندیشمندانی نظیر جوزف نای و رابرت کوهن درباره اشکال جدید قدرت و ابزارهای جدید نفوذ نیز، اهمیت زیادی یافته است. باید توجه داشت که جمهوری اسلامی ایران به واسطه قدرت فرهنگی، غنای تاریخی و داشتن نیروی انسانی کارآمد، در مسیر استفاده از قدرت نرم (دانش، فرهنگ و ایدئولوژی) به نسبت بسیاری از کشورهای منطقه، دارای مزیت نسبی است. تاریخ کهن و تمدن دیرپا و تأثیرگذار ایرانی در منطقه و فرهنگ غنی برخاسته از آن، همواره جزو عوامل چشمگیر و مؤثر در حضور ایران در روابط منطقه ای بوده است، از سویی نیروی انسانی ماهر و توجهی که در قرن بیستم معطوف به گسترش علم و دانش در جامعه ایران گردید، (و همچنان نیز ادامه دارد) بر توسعه نفوذ کشور در منطقه مؤثر واقع شد. بعد از انقلاب اسلامی و با برجسته شدن موضوع صدور انقلاب برپایه ایدئولوژی اسلامی - شیعی به سایر کشورها، در عمل، جمهوری اسلامی ایران شروع به استفاده از قدرت نرم نمود، اما از همان آغاز انقلاب، ایران با چالش های متعددی نظیر جنگ و تحریم و... روبه رو شد که باعث گردید، تقویت قدرت سخت، به اولویت اول دولتمردان تبدیل گردد، اما به مرور و با تقلیل یافتن این مشکلات و پیشرفت های همه جانبه جمهوری اسلامی ایران، در حال حاضر شاهد این امر هستیم که تقویت و استفاده از قدرت نرم، به عنوان قدرتی کم هزینه، اما مؤثرتر به اصلی مهم در دیدگاه سیاستمداران ایرانی مبدل گشته است. همانطور که در متن مقاله ذکر گردید، پرسش اصلی این مقاله عبارت از این بود که: «استفاده از قدرت نرم (دانش، فرهنگ و

ایدئولوژی) چه تأثیری در جایگاه منطقه ای جمهوری اسلامی ایران داشته است؟» در پاسخ به این سوال این فرضیه را مطرح نمودیم که: «استفاده جمهوری اسلامی ایران از قدرت نرم (دانش، فرهنگ و ایدئولوژی) باعث تحکیم و ارتقای جایگاه منطقه ای ایران شده است.» برای آزمون این فرضیه، به بررسی چگونگی و جایگاه هر کدام از این عوامل تاکنون؛ همچنین پیشنهادهایی در این حوزه پرداختیم. در همین راستا به این نتیجه می توان رسید که پیشرفت های علمی و تکنولوژیک جمهوری اسلامی ایران، استفاده از مؤلفه های فرهنگی گوناگون با توجه به غنای فرهنگی ایران؛ همچنین قرابت هایی که با بسیاری از کشورهای منطقه دارد و در نهایت، جدید و متفاوت بودن ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران و مؤلفه های آن بعد از انقلاب، زمینه های لازم را برای افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران داشته است. چهارچوب نظری انتخاب شده در این مقاله، نظریه قدرت نرم جوزف نای و وابستگی متقابل کوهن بود. بر اساس این نظریات، در زمانی که قدرت نظامی تنها عامل قدرت محسوب نمی شود و دولت ها به دلیل وابستگی متقابلشان با یکدیگر از سایر مؤلفه ها بهره می برند، قدرت نرم با استفاده از ایجاد جذابیت و نه با تهدید و فشار در عصر جدید، می تواند ذهنیت بسیاری از مردم را از طریق ابزارهای مختلف (دانش، فرهنگ و ایدئولوژی) با خود همسو کند. و کشوری قدرتمندتر است که دارای منابع بالقوه بیشتری در قدرت نرم بوده و توانایی استفاده صحیح از آن را داشته باشد. با توجه به این که جمهوری اسلامی ایران دارای مزیت نسبی در دانش، فرهنگ و ایدئولوژی نسبت به کشورهای منطقه است و سیاستمداران با توجه به سند چشم انداز ۱۴۰۴، نیز بر اهمیت آن واقف هستند و از آن بهره جسته اند؛ لذا جمهوری اسلامی ایران با استفاده از قدرت نرم (دانش، فرهنگ و ایدئولوژی) باعث تحکیم و ارتقای جایگاه منطقه ای خود شده است.



**منابع:**

- آکسفورد، باری (۱۳۷۸)، **نظام جهانی: اقتصاد، سیاست و فرهنگ**، ترجمه حمیرا مشیر زاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۹)، **مقدمه‌ای بر ماهیت، ابعاد و مبانی قدرت نرم**، تهران، نشر ساقی.
- بزرگی، وحید (۱۳۷۵)، **نظریه‌های روابط بین‌الملل**، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹)، **نظریه‌های فرهنگ در قرن بیست و یکم**، تهران، نشر طلوع.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹)، **قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، قم، موسسه بوستان کتاب.
- توحیدفام، محمد (۱۳۸۲)، **فرهنگ در عصر جهانی شدن: چالش‌ها و فرصت‌ها**، تهران، نشر روزنه.
- جمالی، حسین (۱۳۷۹)، **تاریخ و اصول روابط بین‌الملل**، مرکز تحقیقات اسلامی.
- چونگ، آلن (۱۳۹۰)، **قدرت نرم در سیاست خارجی؛ با تأکید بر فضای جهانی اطلاعات**، ترجمه مهدی ذوالفقاری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
- رمضان‌نای، روح‌الله (۱۳۸۰)، **چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشرنی.
- سلیمی، حسین (۱۳۷۹)، **فرهنگ‌گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر**، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- سلیمی، حسین (۱۳۹۲)، **نظریه‌هایی درباره جهانی شدن**، تهران، انتشارات سمت.
- شارب، جین (۱۳۸۹)، **قدرت نرم و عرم خشونت**، ترجمه رضا مرزانی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰)، **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**، تهران، انتشارات سمت.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۸۰)، **جهانی شدن فرهنگ و سیاست**، تهران، نشر قومس.

- گروه مطالعات امنیتی (۱۳۸۷)، تهدیدات قدرت ملی شاخصها و ابعاد، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مرادی، حجت‌الله (۱۳۸۹)، قدرت جنگ نرم از نظریه تا عمل، تهران، نشر ساقی.
- نای، جوزف (۱۳۹۲)، قدرت و موازنه نرم در سیاست بین الملل، ترجمه عسگر قهرمانپور، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم، ابزار موفقیت در سیاست بین الملل، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
- نای، جوزف (۱۳۸۲)، کاربرد قدرت نرم، ترجمه سید رضا میرطاهر، تهران، نشر قومس.
- ویلتز، پیتر (۱۳۸۳)، بازیگران فراملی و سازمان های بین المللی در سیاست جهانی، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران، موسسه ابرار معاصر.
- یوسفی، جواد (۱۳۹۱)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی فلسطین، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
- بلیک، ژانت و محمدرضا گلشن پژوه (۱۳۸۹)، «قدرت نرم و تهدید نرم؛ پیشنهادی در راستای سیاست‌سازی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۵.
- بی نام (۱۳۹۰)، «قدرت نرم، قدرت هوشمند»، ماهنامه روابط فرهنگی بین المللی.
- حسین آبادیان، رامین (۱۳۹۴)، «فعالیت های علمی دانشگاههای ایران دو برابر اسرائیل است»، قابل دسترس در سایت خبرگزاری مهر.
- حلال خور و باباجان نژاد، مهرداد و محمد (۱۳۹۰)، «تأثیر ایدئولوژی بر کارکرد قدرت سخت و نرم در سیاست خارجی خاورمیانه ای ایالات متحده آمریکا (مطالعه موردی اعراب و اسرائیل)»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا.
- خراسانی، رضا (۱۳۹۴)، «جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی»، قابل دسترس در سایت خبرگزاری فارس.

- عسگری، محمود (۱۳۸۹)، «رویکردی انتقادی به نظریه قدرت نرم»، فصلنامه راهبرد دفاعی.
- عبدالله، عبدالمطلب و محمدصادق بیگلری (۱۳۸۹)، «جایگاه دیپلماسی فرهنگی - ارتباطی در سیاست خارجی ایالات متحده: برنامه‌ها و برنامه ریزان»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۱۳.
- کاظمی، مریم (۱۳۸۴)، «پیامد جهانی شدن بر سیاست خارجی کشورها»، تهران، مجله راهبرد، شماره ۳۶.
- مشفق، محمدعلی (۱۳۸۶)، «قدرت نرم»، روزنامه اعتماد ملی، ۳۰ بهمن.
- نای، جوزف (۱۳۸۴)، «قدرت نرم: ابزار موفقیت در سیاست های جهانی»، ترجمه جواد حمیدی، ویژه نامه همشهری دیپلماتیک، ۲۵ تیر.
- بی نام (۱۳۹۵)، «قدرت مسلم ایران در سلول های بنیادی»، قابل دسترس در سایت باشگاه خبرنگاران جوان.
- بی نام (۱۳۹۴)، «۱۵ سال رشد علمی ایران در دنیا»، قابل دسترس در سایت آفتاب نیوز.
- Douglas, William. (1963), **The Rights of the People**, New York: pyramid books.
- Nye, Joseph (2004), **Soft Power**, New York: public affairs.
- Nye, Joseph (2004), **Soft Power: The Means to Success in World Politics**, New York: Carnegie Council of Ethics and International Affairs.
- Taylor, Peter J. & Flint, Colin (2000), **Political Geography**, London: Sage Publications.
- Gill, B. & Y. Huang (Summer 2006). "Sources and limits of Chinese soft power", **Survival**, Vol. 48, No.2.
- Lynch, J. & Kaplan, G. (1997). "Understanding How Inequality in the Distribution of Income Affects Health". **Journal of Health Psychology**, Vol.2.
- Walt, Stephen (2005) "Taming American power", **Foreign Affairs** (September/October).

- 
- Blotz, William G. (1993), "Lao-tzu Tao teaching", in Michael Loewe (ed.), **Early Chinese texts: Bilbao graphical Guide**, California, Berkeley: University of California press.
  - Kelly, Paul (June 2002), "Soft Power for Hard Heads", **The Weekend Australian**, No. 8.
  - Nye, Joseph (1990), "The Changing Nature of Power", **Political Science Review Quarterly**, Vol. 105, No.4.
  - Zhang, Yazhi (2001), "On the Disintegration of the Soviet Union, from the Perspective of Soft Power in Culture", Available at: <http://www.dlb.ut.ac.ir/Id11>.